

جنگ و آفرینش یک اثر هنری

شعر «یاران چه غریبانه…» چگونه سروده شد؟



حسن، شعر در ضمیر خوداگاه و ناخوداگاه آنها متولد و بعداً بر زبان جاری می‌شود. غزل «غریبانه» در فضای خرمشهر بعد از حمله دشمن سروده شد.

من به همراه جمعی از دوستان شاعر، نویسنده، خواننده و موسیقی‌دان در روز ۲۵ آذرماه ۱۳۶۰ از تهران با قطار به اهواز و از اهواز به آبادان رفتم. در مسیر مورد حملات توپخانه‌ای دشمن قرار گرفتیم که خوشبختانه گلوله توپ به مننبی‌بوس ما اصابت نکرد. با توجه به شرایطی که وجود داشت، مجبور شدیم مسیر را عوض کنیم و از جاده خاکی که به موازات اهواز به آبادان وجود داشت، حرکت کنیم. از قضا مناطقی از این جاده نیز مین گذاری شده بود و ما باز هم به لطف خدا به سلامت از این جاده عبور کردیم. وقتی به آبادان رسیدیم با شهری که مورد هدف و حمله دشمن بود، روبرو شدیم. فقط رزمندگان در آنجا بودند و هر لحظه گلوله‌های خمپاره، شهر آبادان را می‌پرزاند. بعد از آن به خرمشهر رفتم. به ما گفتند شهر اشغال است و امکان ورود به شهر دشوار است؛ بنابراین از کانال‌هایی که رزمندگان کنده بودند، برای ورود به شهر استفاده کردیم. چقدر برای ساختن این کانال‌ها شهید داده بودیم! بعد از طی مسیری در کانال‌ها، وارد خانه‌ای شدیم که پشت آن مغازه و پس از آن زمین ورزشی قرار داشت. از داخل کانال‌هایی که حفر شده بود و خانه‌ها به منطقه کوت شیخ رسیدیم و از فراز یک ساختمان دو طبقه که بخشی از آن نیز فروریخته بود، بالاخره موفق شدیم خرمشهر عزیز را ببینیم. از فراز آن ساختمان دو طبقه، خرمشهری را دیدیم که به صورت کامل فروریخته بود. بر فراز یک ساختمان که می‌گفتند ساختمان بانک ملی است، پرچم دشمن به اهتزاز در آمده بود. با دیدن این صحنه‌ها، تلخ‌ترین لحظات برای ما رقم خورد.

پس از مدتی مقر دیده‌بانی ما لو رفت و با تهاجم دشمن مواجه شد؛ در نتیجه ما مجبور به عقب‌نشینی شدیم و تغییر موضع دادیم. در آن زمان خمپاره‌ای، یکی از نیروهای ارتشی را به شدت زخمی کرده بود. او از درد فریاد می‌کشید. کوچک‌ترین حرکات ما در آن زمان زیر نظر تک‌تیراندازهای عراقی بود. می‌دیدیم که گلوله از کنار ما رد می‌شد و به دیوار مقابل می‌خورد. ما با چنین

نام بیگی حبیب‌آبادی، شاعر غزل «یاران چه غریبانه…» با خرمشهر پیوند خورده است. او درباره چگونگی آفرینش این شعر گفت.

هنر متعالی همواره در طول تاریخ رسانه‌ای برای انتقال مفاهیم و اندیشه‌های ناب معرفتی است و در میان تمام هنرها، شعر در جامعه ایرانی همواره بزرگ‌ترین رسالت را در این زمینه بر دوش داشته است. گواه آن هم می‌تواند ایباتی باشد که واقعه‌ای را در دل تاریخ زنده نگاه می‌دارند و به ترسیم حقیقت بپردازند. شاعرانی که اینگونه شعر را باور کرده‌اند، همواره می‌کوشند از قریحه خود در حساس‌ترین مواقع به بهترین نحو بهره ببرند و آثاری خلق کنند که بجا و تأثیرگذار باشد. نمونه‌ای از این دست از شاعران در خیل کاروان شعر و ادب این سرزمین کم نبوده و نیستند؛ شاعرانی که صداقت و حقیقت را به ثمن بخش معاوضه نکردند.

پس از انقلاب اسلامی نیز کم نبودند شاعرانی که با چنین هدفی در میدان حاضر شدند و با هنرشان از دین و میهن خود دفاع کردند. بخش قابل توجهی از هنر به ویژه شعر پس از دوران انقلاب اسلامی به موضوع دفاع مقدس اختصاص دارد که در این میان، خرمشهر واسطهٔالعقد است؛ گوهری که سقوط و فتح آن اشک‌ها و لیخندهای یک ملت را به همراه داشت.

خرمشهر که از آن با عنوان «ایرانشهر» یاد می‌کنند، نمادی است از هم‌بستگی یک ملت در مواجهه با یک بحران ملی. تاکنون آثار متعددی درباره ماجرای این شهر در جنگ تبیینی خلق شده است که از آن جمله می‌توان به شعر «غریبانه»، اثر پرویز بیگی حبیب‌آبادی اشاره کرد. شعری که با چنین ایباتی آغاز می‌شود:

یاران چه غریبانه رفتند از این خانه

هم سوخته شعع ما، هم سوخته پروانه
بشکسته سبوهامان، خون است به دل هامان

فریاد و فغان دارد؛ دردی کش میخانه …
اجرای این شعر بعدها توسط غلام کویتی‌پور، مداح مشهور دوران جنگ، بر زبان‌ها جاری و به حافظه جمعی ایرانی‌ها پیوست. تسنیم، به مناسبت سالروز فتح خرمشهر با بیگی حبیب‌آبادی درباره حال و هوایی که این شعر در آن خلق شد، به گفت‌وگو پرداخت. او که چندین سال در شهر آبادان زندگی کرده و با فضای خرمشهر و آبادان آشنا بود، پس از جنگ تحصیلی در سفری به همراه جمعی از شاعران و با دیدن تصاویر تکان‌دهند در خرمشهر، این شعر را سرود. مشروح گفت‌وگو را می‌توانید در ادامه بخوانید.

✽ آقای بیگی، هرگاه نام خرمشهر بر زبان می‌آید، موضوعاتی حول آن شکل می‌گیرد که قطعه ماندگار «غریبانه» آغه کشف ناهست؛ قطعه‌ای که بخشی از حافظه جمعی ایرانی‌ها را در مسئله سقوط و فتح خرمشهر تشکبیل می‌دهد. این سروده چگونه و در چه شرایطی متولد شد؟

قطعه «غریبانه» در همان فضای خرمشهر سروده شد. شعر در یک فضای در ذهن شاعر متولد می‌شود. گاه سرودن و فضا با هم همخوانی دارد، اما اصولاً این اتفاق کمتر می‌افتد. شاعران از یک فضا حس می‌گیرند و براساس آن

حمید فرخ‌نژاد نامزد بهترین بازیگر مرد و تهیه‌کننده و احسان عبدی‌پور نامزد بهترین فیلمنامه با فیلم «میجر» از محصولات بنیاد سینمایی فارابی در مراسم جایزه «سپتیمیوس» شدند.

به گزارش روابط عمومی بنیاد سینمایی فارابی، مراسم جایزه «سپتیمیوس» جوایز خود را به بهترین های چهار قاره «آمریکا، اروپا، آفریقا و آسیا» اهدا می‌کند که امسال در بین نامزدهای بهترین بازیگر مرد آسیایی و بهترین تهیه‌کننده نام حمید فرخ نژاد و نیز احسان عبدی پور در بخش بهترین فیلمنامه با فیلم «میجر» به چشم می‌خورد.

جایزه «سپتیمیوس» رویدادی است که سالانه در آمستردام هلند برگزار می‌شود. این رویداد که پیش از این با عنوان «جشنواره بین‌المللی فیلم اقی‌های نو» شناخته می‌شد، با هدف کشف و حمایت از هنرمندان و سینماگران مستقل

فردا اجتماع بزرگ ۱۰۰ هزار نفری در ورزشگاه آزادی

مردم ظرفیت دارند ورزشگاه گنجایش ندارد

کمتر از ۷۲ ساعت از شروع ثبت‌نام برای حضور در این اجتماع خانوادگی تکمیل شد و امکان ثبت‌نام جدید وجود ندارد. سامانه ثبت‌نام این اجتماع بزرگ در حال حاضر بسته شده و در صورت ایجاد ظرفیت جدید اطلاع‌رسانی خواهد شد.اجتماع خانوادگی سلام فرمانده قرار است ساعت ۱۷ روز پنجشنبه پنجم خرداد ماه در ورزشگاه آزادی برگزار شود.

در این مراسم که با حضور اهالی فرهنگ و هنر در تالار ایران فرهنگستان هنر برگزار شد، پس از اکران فیلم «موقعیت مهدی»، بهمن مامورمطلق، رئیس فرهنگستان هنر، درباره لوح ویژه «فرّ فرهنگستان هنر» سخن آغاز کرد و گفت: فرهنگستان هنر نشانی ویژه با عنوان فرّ فرهنگستان هنر دارد که برای قدردانی از هنرمندانی است که آثار کم‌نظیر خلق می‌کنند. این نشان اولین بار به مجید مجیدی برای فیلم «خورشید» اهدا شد و امروز، برای قدردانی از فیلم «موقعیت مهدی»، به آقای حجازی‌فر که اثری بسیار فاخر در حوزه دفاع مقدس خلق کردند اهدا می‌شود. او در همین زمینه، ادامه داد: این فیلم از جمله آثاری است که بخش پژوهشی فرهنگستان هنر آن را از جنبه‌های مختلف روایتی، نشانه‌شناسی، تحلیل گفتمان و دیگر مباحث بررسی و نتیجه بررسی‌های خود را به‌صورت کتاب منتشر خواهد کرد. اما امشب به پاس قدردانی، برای یادآوری خاطرات هشت سال دفاع مقدس، از کارگردان و تهیه‌کننده این فیلم تجلیل می‌شود.

حجت‌الاسلام دعایی، مدیرمسئول روزنامه اطلاعات، از دیگر حاضران در این مراسم بود که با خواندن شعری از شفیع‌ی کدکنی درباره شهید، از کارگردان و

از حمله دشمن با آن در خاطرم شکل گرفته بود، من را بسیار متأثر کرده بود.

✽ خانم‌ها هم در آن شرایط حضور داشتند؟
بله، آنها جلوتر از ما حرکت می‌کردند.

✽ آقای بیگی شما هم شاعرید و هم از ناشران شناخته شده‌ه که به صورت تخصصی در حوزه شعر کار می‌کنند. به نظر شما چرا در سال‌های گذشته به خصوص در یک دهه گذشته، ما با اثر هنری همچون «غریبانه» که ذهن و عواطف مخاطب را درگیر کند و بر زبان‌ها زمزمه شود، کمتر مواجه شده‌ایم؟

در اینجا دو بحث مطرح است؛ نخست آنکه شعر با رمان فرق می‌کند. شعر در صحنه رخ می‌دهد و متولد می‌شود، حالا ما چگونه می‌خواهیم این تصاویر را برای شاعر امروز به تصویر بکشیم؟ بیشتر شعرها در لحظه و حواشی لحظه خلق می‌شوند، اما رمان بعدش متولد می‌شود. هرچقدر از آن لحظه دور می‌شویم، شعر سیر قهقراپی پیدا می‌کند.

از سوی دیگر، باید بگویم که سرمایه‌گذاری لازم برای خلق یک اثر هنری انجام نشده است؛ می‌توان گفت هرچه بوده تا الان بر مبنای بیلان کاری بوده است. آیا یک المان از

جنگ در شعر می‌توان دید؟ این در حالی است که تهران چندین‌بار مورد هدف موشک قرار گرفته و چندین نفر در این موشک‌باران‌ها به شهادت رسیده‌اند. ما باید برای این حوادث المان داشته باشیم، بدانیم چه کسانی شهید شده‌اند، هر هفته طی مراسمی گلی به یاد آنها نشان شود. وقتی این المان‌ها را تبدیل به ساختمان تجاری می‌کنیم، معلوم است که بین این نسل و نسل گذشته فاصله می‌افتد.

جای شکرش باقی است که یک موزه دفاع مقدس درست کرده‌اند. من خودم شاهد بودم که در خیابان ۲۰ متری کوکاکولا که امروز به آن نبرد می‌گویند، مورد هدف موشک قرار گرفت و چهار نفر به شهادت رسیدند. در منطقه باغچه بیدی در حوالی میدان بروجردی نیز اتفاقی مشابه رخ داد. در خیابان توانیر، خیابان هدایت و … نیز این اتفاق رخ داد. حالا پرسش اینجاست که شهرداری و بنیاد حفظ آثار برای ماندگار ماندن این حوادث در ذهن شهروندان چه کرده است؟! سال‌ها پیش مکانی مورد موشک قرار گرفته و الان تبدیل به یک باغچه شده است؛ یعنی ساختمان‌ش هم برای کسی نبوده است.

در دنیا اینطور نیست. همه آثار حنسی خرابه‌ها را حفظ می‌کنند و این باعث ارتباط نسل جوان با گذشته می‌شود. این‌ها همه تهران مورد اصابت موشک قرار گرفته، اما هیچ نشانی برای آن نیست.

از سوی دیگر، ما در این زمینه با پیوستگی مواجه هستیم، ما سینما، داستان، شعر، آثار تجسمی و … در حوزه جنگ داریم. وقتی به این حوزه‌ها توجه نمی‌شود، این زنجیره از هم گسسته می‌شود. هنوز هم دیر نشده است. شهرداری با کمک بنیاد حفظ آثار می‌تواند به سراغ مناطقی که از حملات آسیب دیده است، بروند و با آثار هنری یاد آن افرادی که شهید شدند، گرمی بدارند و نشانی برای این رویداد در شهر خلق کنند.

کوبن ویلموت از فیلمنامه‌نویسان مشهور دنیا در این رویداد شرکت خواهند کرد. فیلم «میجر» از محصولات بنیاد سینمایی فارابی به نویسندگی و کارگردانی احسان عبدی‌پور و تهیه‌کنندگی و با بازی حمید فرخ نژاد در سال ۱۳۹۹ ساخته شده است. داستان فیلم درباره ورود یک سگ ردیاب آلمانی به اسکله گمرک است که به هیچ‌وجه قابل مذاکره و معامله نیست و این مسئله نظم شهر را بر هم می‌زند. سایر عوامل فیلم عبارت‌اند از: نویسنده و کارگردان: احسان عبدی‌پور، تهیه‌کننده: حمید فرخ‌نژاد، مدیر فیلمبرداری: محمود کلاری، تدوین‌گر: بهرام دهقان، بازیگران: حمید فرخ‌نژاد، فرورغ قجابگل، اکبر اوودو، آرش ملکی، ایرج صفری، حمید باغکی.

رویداد اهدای جایزه «سپتیمیوس» در ۷-۶ ژوئن ۲۰۲۲ مصادف با ۱۶-۱۷ خردادماه ۱۴۰۱ در شهر آمستردام هلند برگزار می‌شود.

ذاکر و سخنران اهل بیت:

گاهی در هیئت امام حسین (ع) هم نمی‌شود امر به معروف کرد!

حسین محمدی فسام، ذاکر و سخنران اهل بیت علیهم‌السلام در سخنانی با اشاره به شاخصه زعدادار امام حسین علیه‌السلام گفت: اگر الان خودمان را با امام حسینی مواجه کنیم که نمی‌شود (در هیچ شرایطی) امر به معروف و نهی از منکر کرد، تفکرمان صحیح نیست. می‌گوییم آقای سمداح! این‌هایی که می‌خوانی دروغ است و در هیچ تاریخی نیست؛ شروع به اهانت می‌کنند. سینه‌زن امام حسین علیه‌السلام در مقابل امر

تهیه‌کننده فیلم تشکر و قدردانی کرد.

علی‌اکبر صالحی، معاون پژوهشی و قائم‌مقام رئیس فرهنگستان علوم، از سه شُکر ویژه نام برد و اظهار کرد: ما باید سه شکر ویژه به‌جا آوریم؛ نخست آنکه مسلمانیم و دینی با عظمت داریم. دوم آنکه ایرانی هستیم و در جایی به دنیا آمده‌ایم که دارای مرزهای فرهنگی پهناوری است و هزاران سال تاریخ شفاهی و مکتوب دارد و به‌رغم مشکلات و مصائب تاریخی، همواره استوار و پابرجا باقی مانده است. سوم آنکه ملتی هستیم که همواره افتخارآفرین بوده است.

هادی حجازی‌فر، کارگردان، نویسنده و بازیگر فیلم «موقعیت مهدی»، نیز روی صحنه حاضر شد و ابتدا، با یادآوری فیلم‌برداری بخش‌های بسیاری از فیلم در آبادان، به بازماندگان حادثه ریزش ساختمان در این شهر تسلیت گفت. سپس، به انگیزه شخصی خود برای ساخت فیلم «موقعیت مهدی» پرداخت و گفت: بسیاری از افراد خانواده از جمله پدر و عموهایم در لشکر ۳۱ عاشورا خدمت می‌کردند و پدرم، در زمانی که به دانشگاه تهران رفتم، از من خواست تا زندگی آقا مهدی را بسازم و دوست داشتم این دین را با ساخت این فیلم ادا کنم.

دزفول پایتخت مقاومت ایران

دزفول قهرمان، شهر موشکیا و توپها و به قول عراقیها «بلد الصاروخ» در طول سالهای دفاع مقدس صدها بار مورد هجوم و دشمنی حزب بعث عراق و ارتش اشغالگر او قرار گرفت و در طول ۲۷۰۰ روز مقاومت، ۲۶۰۰ شهید، ۴۰۰۰ جانباز، ۴۵۴ آزاده و ۱۴۷ مفقودالثر تقدیم اسلام و آرمانهای حضرت امام نمود. بررسی عمق دشمنی و نفرت رژیم بعث عراق با این شهر کوچک و مذهبی اگر چه موضوع این نوشتار نیست؛ اسما واقعیتهای تلخ و شیرینی را پیش روی محققین و کارشناسان امور نظامی و هنر پایداری میگذارد که بخشی از تاریخ مقاومت ناگفته مردم دلیر ایران در آن نهفته است:از پیروزی انقلاب اسلامی تا آخرین روزهای نبرد، دشمنن ضمن امتحان و بکارگیری انواع سلاحها علیه این شهر، مقاصد مختلفی را دنبال میکرد که براساس شواهد موجود، تصمیم او از اشغال تا جنگ روانی علیه مردم دزفول را طی نمود. دزفول در طول جنگ، ۱۷۶ بار توسط موشک، ۴۸۹ بار توسط بمب و راکت و ۲۵۰۰ بار توسط توپ مورد حمله قرار گرفت که از این رهگذر ۱۹ هزار و پانصد واحد مسکونی، اداری و آموزشی این شهر ویران شد. اگرچه شهرهای دزفول هدف در قلبای ارتش عراق، تغییر کم و زیاد و یا جابجا میشد اما تا پایان جنگ، جایگاه «الف» هرگز از دزفول جدا نشد و این سؤال بی پاسخ جنگ را تاکنون در ذهنها باقی گذاشت. جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۶۳/۴ این شهر را به پاس حماسه مقاومتش بعنوان «شهر نمونه» معرفی کرد. آنچه که این شهر را شهری افسانه‌ای در مقاومت و پایداری نشان داده است و در همان سالها حیرت دوستان و دشمنان را برانگیخته بود، جاری و سناری بودن جریان زندگی ز زیر انواع تهدیدات و حملات بوده است. به طوری که در دلایل عروس و دامادی در حمله، شهادت بیش از ۸۰ نفر در یکی از خیابانهای شهر و شهادت دسته جمعی اعضای چند خانوار در یک حمله موشکی، شهادت ۱۳ نوجوان بسیجی در بسیج مسجد، نمونه‌هایی از این حضور بی وقفه است. در روز ۳۱ شهریور ماه دشمن برای تسخیر شهرهای دزفول واهواز، دو معبر «فکه- دو سلک- پل ناردی- دزفول» و «شهرانی - عین خوش - پل ناردی - دزفول» را در طرح مانور خود انتخاب کرد. دو لشکر ۱ مکانیک، ۱۰ زرهی موظف بودند با عبور از رودخانه کرخه، اهواز را از شمال و دزفول را از جنوب محاصره و تصرف کنند. اگرچه این دو لشکر ظرف سه روز خود را تا کنار رودخانه کرخه رساندند و تمام این منطقه را به تصرف خود در آوردند ولی به دلایل مختلفی از حمله مقاومتیهای مردمی آن ادامه حرکت و تصرف دزفول باز ماندند. قصد اصلی دشمن از این حملات، تا قبل از عملیات فتح المبین، زمینه سازی برای اشغال بود و حتی در این خوش خیالی، دشمن را باها در رهنه‌های خود اشغال و پیوستن این شهر را به جمهوری عراق اعلام نموده بود. اشغال دزفول یکی از مهمترین اهداف طرح کلی رژیم بعث بود که خوزستان را از ایران جدا میکرد. این موضوع بارها در بیانیه‌های ارتش بعث و تهیه‌فرماندهان آن آمده است.حماسه حضور یکپارچه مردم خداجوی دزفول نه تنها در خلق «خوبن‌ترین مقاومت مردمی» در طول جنگ مردم این دیار را تونجی جهانی بخشید، بلکه نقش مؤثر و بی بدیل آنها در پشتیبانی رزم تمام نیروهای مستقر در این منطقه در خلق حماسه رزمندگان در جبهه های جنگ در ضمیر رزمندگان غیر خوزستانی نیز ماندگار شد. علاوه بر آن تنها شهیری بود که لشکری (لشکر ۷ ولی عصر «هج») را اداره میکرد و حضور فعال و مؤثر خود را ازجنب تا غرب کشور نیز به نمایش گذاشته بود. پس از عملیات پیروزمنانه فتح المبین و دور شدن شهر از تهدید اشغال و قطع حملات توپخانه‌ای، دشمن به منظور انتقام گیری از مردم، بر حجم حملات موشکی خود به دزفول افزود. یکی از دلایل محرز مقاومت مردم دزفول وجود روحانی برجسته و فقیهی مجاهد همچون حضرت آیت الله قاضی دزفولی امام جمعه دزفول بود. همه او از امام شریف‌اندیشند، پیشینه سلحشوری و بی باکی‌اش در مقابل دشمن رژیم ستم شاهی در سالهایی نه چندان دور از او اسطوره‌های بومی پدید آورده و تمام نگاههای تردید آور به روحانیت این منطقه را به بهای زندگی دست دادند چنهمایش در ساواک، تغییر داده بود. اینکه که در این دیار جنگی رخ داده و دشمنن اراده کرده بسود تا دزفول را به اشغال درآورد، این پیرمرد خسته و نرجور، مردم را دعوت میکرد تا در شهر باقی بمانند. هم برای مقابله با خواست دشمن و هم برای حمایت از نیروهای رزمنده‌ای که از سراسر کشور به دور شهر اردو زده بودند. وقتی جوانان شهر را به جبهه میفرستاد خودش با لباس بسیجی تا پادگان کرخه آنها را همراهی میکرد. هنگامی قرار شد پیامی از رادیو از او برای رزمندگان پخش شود، مخالفت کرد و گفت: چرا پیام، خودم حضوری به خدمتشان میروم، آنها فرشتگانی هستند که اینک لباس خاکی پوشیده‌اند؛ بعد با تنی خسته عصا زنان نه تنها در بین رزمندگان دزفولی و خوزستانی که به تکت تشک اردوگافهای رزمندگان دیگر شهرها در اطراف دزفول میرفت و نماز را در بیسن آنها میخواند. به خانه که بر میگشتن روی قالی میخوابید وهرگز کسی ندید او یک روز حتی وقتی بیمار بود روی تشک بخوابید، او در مقابل اصرارهای اطرافیانش میگفت: «من از روز اول جنگ تحصیلی با خودم عهد بستهام تا زمانی که رزمندگان اسلام در جبهه‌اند مانند آنها بر روی همین قالی استراحت کنم». آیت الله قاضی اصرار زیادی داشت که حتی در سختترین شرایط و هنگام موشکباران شهر، نماز جمعه را ترک نکنند، معتقد بود انکاس این خبر، اراده دشمن را بسست میکند.دزفول که به سبب مقاومت هشت ساله خود در برابر هجوم موشکیا و توپها و خمپاره‌های دشمنن یعنی به اسطوره مقاومت مردمی در جنگ مشهور است و لوح زرینی نیز در ۴ خرداد سال ۱۳۶۶ از مردم ایران دریافت کرد و در طول جنگ ایران و عراق آسیبهایی زیادی دید، اما هرگز قامت خم شده او را ندید و حسرت یک اه را برای همیشه بر دل دشمن نهاد. امام خمینی (ره) به پاس پایداری مردم این شهر در همان سالها فرموده‌اند: شما دزفولپهیا امتحان دادید و از این امتحان خوب بیرون آمدید. شما دین خود را به اسلام ادا کردید.